

اشاره:

اهمیت پرداختن به مباحث ماهوی رأی مشورتی دیوان از دو جهت است: از سویی به دلیل اهمیت سیاسی فلسطین در دکتربین سیاسی و دیپلماسی کشور، و از سوی دیگر ماهیت حقوقی نظر دیوان که بدون اعمال سلايق سیاسی و جانبدارانه از رژیم اسرائیل که کمتر در مسأله ی فلسطین سابقه دارد، صادر شده است.

از این رو، بررسی استدلالات حقوقی دیوان و تفسیرهای جدید دیوان بین المللی از قواعد حقوق بین الملل در مسأله ی دیوار حائل بسیار حائز توجه است، که در این مجال به آن می پردازیم.

بحث ماهوی نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری^۱ در مورد دیوار حائل در اراضی فلسطین

مهدی اسماعیلی

از این مقررات، ایرادات احتمالی رژیم اسرائیل وسیعی را به دنبال دارد. اصل حقوقی دیگری که احداث دیوار حائل ناقص آن است، « اصل تعیین سرنوشت توسط مردم » می باشد. براساس منشور ملل متحد و قطعنامه ۲۴۲۵ مجمع عمومی، هر کشوری ملزم است از هر نوع اقدام قهرآمیزی که مردم را از حق تعیین سرنوشت محروم نماید، خودداری کند. این حق که در ماده اول میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید قرار گرفته، با احداث دیوار حائل نقض شده است.

همچنین دیوان معتقد است با توجه به پیشرفت های حقوقی ایجاد شده، این اصل در مورد سرزمین های تحت قیمومت نیز قابل اجرا است. لذا با این تفسیر ایراد وارد در مورد عدم اجرای این اصل در مورد فلسطین از نظر دیوان مردود و غیرحقوقی است. قاعده دیگری که توأم با بحث های دقیق حقوقی از سوی دیوان بین المللی بوده، مسأله حقوق بین الملل بشر دوستانه در خصوص دیوار حائل می باشد.

دیوان ابتدا متذکر می شود که اسرائیل عضو کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۷۰ نمی باشد، اما به دو دلیل اعتقاد دیوان براین راستا است

از این مقررات، ایرادات احتمالی رژیم اسرائیل وسیعی را به دنبال دارد. اصل حقوقی دیگری که احداث دیوار حائل ناقص آن است، « اصل تعیین سرنوشت توسط مردم » می باشد. براساس منشور ملل متحد و قطعنامه ۲۴۲۵ مجمع عمومی، هر کشوری ملزم است از هر نوع اقدام قهرآمیزی که مردم را از حق تعیین سرنوشت محروم نماید، خودداری کند. این حق که در ماده اول میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید قرار گرفته، با احداث دیوار حائل نقض شده است.

اول: قواعد و اصول مربوطه در حقوق بین الملل:

اولین و مهمترین قاعده بین المللی، پاراگراف دوم ماده ۴ منشور سازمان ملل به عنوان میثاق جهانی است که مقرر داشته است:

« تمام اعضا بایست از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا هر روشی که با مقاصد سازمان هم خوانی ندارد، در روابط بین المللی خودداری کنند. »

قطعنامه ۲۴۲۵ مجمع عمومی نیز در خصوص تصرف توأم با زور و تهدید با صراحت اعلام می دارد:

« تصرف اراضی حاصله از تهدید یا استفاده از زور نبایست هیچگاه به رسمیت شناخته شود. »

دیوان متذکر می شود که اگرچه ممنوعیت توسل به زور در تصرف سرزمین، در قطعنامه های بین المللی بیان شده است، اما باید توجه داشت این اصل منعکس کننده حقوق بین الملل عرفی و قواعد عرفی (Erga omnes) است که نقض آنها پیامدهای قانونی شدیدی

دیوان بین المللی دادگستری ابتدا با مشخص ساختن محدوده ی سؤال درخواستی وارد مباحث ماهوی مرتبط می شود. در این راستا دیوان با برگزیدن عنوان « دیوار » برای وضعیت ایجاد شده آن را کاملتر و بهتر از مواردی چون « حصار »، « نرده » و ... می داند و در ادامه نیز از « دیوار » استفاده می کند.

علاوه بر این دیوان متذکر می شود که تنها در ارایه نظر مشورتی به قسمتی از دیوار که داخل یا اطراف بیت المقدس است، می پردازد و به قسمتی که در قلمرو اسرائیل است، نخواهد پرداخت.

حال با این چارچوب، با ارائه یک بحث تاریخی در خصوص مسأله ی فلسطین و بحث های نمایندگی این سرزمین اینگونه نتیجه گیری می کند که هنوز از نظر حقوق بین الملل و اصول حقوقی، رژیم اسرائیل عنوان « قدرت اشغالگر » را دارا می باشد و لذا مقررات و معاهدات بین المللی موجود در این رابطه، درباره ی رژیم اسرائیل حاکم است. در ادامه ی روند بررسی ماهوی، دیوان قواعد و اصول حقوقی مربوط را یادآور می شود تا ضمن بیان تفسیرهای خود در خصوص برخی





تنها مقررات حقوق بشر دوستانه ملاک است
را نمی پذیرد .
دوم : موارد نقض تعهدات بین المللی به
دنبال احداث دیوار حائل :



دیوان بین المللی دادگستری بعد از بیان اصول
و معاهدات حاکم بر این وضعیت ایجاد شده ،
اینک موارد نقض شده از سوی رژیم اسرائیل
را برمی شمرد :

۱- نقض حقوق انسانی و تلاش برای ضمیمه
کردن سرزمین و نقض منع توسل به زور
و تهدید برای تصرف (ماده ۲-۴ منشور ،
قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی) .

۲- نقض پاراگراف ۶ ماده ۴۹ ژنو (۵) ،
با اتخاذ سیاست انتقال یهودیان به سرزمین
های فلسطینی .

۳- نقض مقررات کنوانسیون چهارم ژنو
(۱۹۴۹م) ، با احداث شهرک های صهیونیست
نشین در مناطق فلسطینی .

۴- نقض اصل تعیین سرنوشت و ایجاد تغییرات
اجباری ، کوچ اجباری فلسطینیان به دنبال
احداث دیوار و ایجاد مناطق امنیتی اطراف
آن . (نقض ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو
و ماده ۱۷ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون
چهارم ژنو)

ضمناً دیوان در این قسمت به ایراد اسرائیل
مبنی بر اینکه احداث دیوار تلاش در جهت

از نظر حقوقی منجر به این جدایی و ضمیمه
شدن سرزمین می شود .

۵- نقض مقررات حقوق بین الملل بشر دوستانه ،
شامل : (نقض مقررات لاهه ۱۹۷۰ و
کنوانسیون ۴ ژنو) :

الف - احداث دیوار و ایجاد مناطق تحت
حفاظت ، محدودیت هایی را بر حرکت آزادانه
مردم فلسطین تحمیل کرده است که خلاف
موازین بین المللی در این رابطه می باشد .
(ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو) .

ب - وجود دیوار باعث رکود جدی در
محصولات کشاورزی و ایجاد مشکلات
آموزشی ، بهداشتی و کمبود آب برای فلسطینیان
گردیده است که در تضاد با حقوق بین الملل
بشر دوستانه می باشد .

ج - محروم ساختن برخی از فلسطینیان از
آزادی انتخاب محل زندگی ، که جزء اصول
حقوق بین الملل بشر دوستانه است . (مقررات
کنوانسیون چهارم ژنو)

۶- نقض مقررات کنوانسیون چهارم ژنو ، با
تخریب های فراوانی که بسیاری از آنها جزء
الزامات نظامی نبوده است .

که مقررات لاهه در مسأله پیش رو قابل اعمال
و استناد است :

اولاً : مقررات لاهه قسمتی از حقوق عرفی
را تشکیل می دهد که رعایت آن برای تمامی
طرفهای شرکت کننده از جمله اسرائیل
ضروری است .

ثانیاً : پس از تصویب ماده ۱۵۴ کنوانسیون
چهارم ژنو (۲) ، آن کنوانسیون به عنوان مکمل
بخش های II (دو) و III (سه) مقررات لاهه
درآمده ، که بخش III (سه) به حاکمیت نظامی
بر قلمرو کشور متخاصم مربوط بوده و دقیقاً
منطبق بر بحث فعلی است .

و به دلیل اینکه اسرائیل در ۱۹ جولای ۱۹۵۱
م عضو کنوانسیون مزبور بدون هیچ حق
شرطی شده ، لذا برطبق ماده ۱۵۴ مذکور ،
مقررات لاهه نیز در مورد اسرائیل قابل
استناد است .

اسرائیل در این قسمت با استناد به ماده ۲
کنوانسیون چهارم ژنو (۳) ، اینگونه ایراد
می کند که مفاد ماده بیانگر این میباشد که در
سرزمین هایی که طی یک عملیات نظامی
تحت حاکمیت کشور عضو کنوانسیون
درآمده باشد ، مقررات کنوانسیون قابل
اجرا است . در حالی که اسرائیل معتقد است
سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۶۷ م
قبلاً تحت حاکمیت اردن (۴) نبوده است و
از این رو مقررات کنوانسیون در این موضوع
قابل استناد نمی باشد .

دیوان با رد این تفسیر ، اجرای مفاد ماده ۲
کنوانسیون را منوط به دو شرط می داند :
بر اساس پاراگراف اول ماده ۲ کنوانسیون
چهارم ژنو :

اولاً : مناقشه نظامی صورت پذیرد ، خواه
اعلان جنگ شده یا نشده باشد .

ثانیاً : مناقشه بین دو کشور عضو کنوانسیون
رخ داده باشد .

اضافه بر این دو شرط ، دیوان معتقد است ،
هدف این کنوانسیون همانطوری که در تفسیر
منعکس شده و در پیش نویس موجود است ،
حمایت از غیر نظامیان گرفتار شده در دست
اشغالگران می باشد . پس طبیعی است مفاد
این کنوانسیون در مورد سرزمین های فلسطین
که قبل از سال ۱۹۶۷ م در غرب خط سبز
قرار داشته و طی یک مناقشه توسط اسرائیل
اشغال گردیده ، قابل اعمال باشد . شایان ذکر
است در ادامه دیوان با تقسیم مقررات مربوط
به حقوق بشر ، مقررات حقوق بشر مربوط
به زمان جنگ را در مورد رژیم اسرائیل قابل
استناد می داند و این تفسیر که در مورد جنگ

سوم : پیامدهای قانونی نقض تعهدات بین المللی :

الف - برای رژیم اسرائیل :

پیامدهای قانونی که به دنبال نقض معاهدات بین المللی برای رژیم اسرائیل به وجود آمده است ، از نظر دیوان شامل موارد زیر می گردد :

۱- اسرائیل موظف است ، تعهدات نقض کرده بین المللی را مراعات کند .

۲- تعهدات بین المللی نقض شده در رابطه با فلسطینیان مانند : اصل حق تعیین سرنوشت ، آزادی انتخاب محل زندگی و باید رعایت شود . (مستند به ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو)

۳- اسرائیل موظف به دادن تضمین برای دسترسی به اماکن مقدس که طی جنگ سال ۱۹۶۷ م تحت کنترل درآمده ، می باشد .

۴- اسرائیل موظف است برای پایان دادن به نقض تعهدات بین المللی :

الف - بی درنگ کار احداث دیوار درحال ساخت را خاتمه دهد .

ب- نظر دیوان براین است که توقف عملی منوط به تخریب بلادرنگ دیوار حائل است .

ج - تمامی آیین نامه ها و قوانین مربوط به دیوار را لغو و بلا اثر کند .

د- خسارات وارده به افراد حقیقی و حقوقی را جبران کند . که براساس اصل مهم در نظریه اقدام غیرقانونی ، جبران ضرر و زیان باید به نحوی باشد که تا حد امکان پیامدهای اقدام غیرقانونی را از بین برده و وضعیت را به حالت اول بازگرداند . لذا اسرائیل موظف است : زمین ها ، باغ ها ، درخت های زیتون و دیگر اموال غیرمنقولی را که از افراد حقیقی یا حقوقی توقیف کرده است به آنان بازگرداند

و در صورت عدم امکان این امر ، اسرائیل بنا بر مقررات لازم الاجرای بین المللی وظیفه دارد خسارات های وارده را جبران کند .

ب - برای سایر کشورها :

دیوان بین المللی دادگستری به دلیل آنکه برخی موارد نقض شده را از قواعد عرفی (omnes Erga) می داند پیامدهای قانونی آن را متوجه تمامی دولت ها می شمارد .

از این رو تمامی کشورها متعهدند تا وضعیت غیرقانونی ایجاد شده در داخل و اطراف بیت المقدس شرقی را به رسمیت نشناسند و علاوه بر این موظفند در حفظ این وضعیت هیچ کمک و مساعدتی به اسرائیل ننمایند .

همین طور کشورهای دیگر متعهدند تا تمامی موانع موجود در راه اجرای این قواعد را با احترام به منشور و قواعد بین المللی حذف کنند و براساس کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) ، تمامی اعضای آن متعهدند تا ضمن احترام به منشور و قوانین بین المللی اطمینان حاصل کنند که اسرائیل مفاد کنوانسیون (مربوط به افراد غیر نظامی و حفاظت آنها در زمان جنگ) را اجرا می نماید .

در خاتمه لازم به یادآوری است که دیوان بین المللی دادگستری از مجمع عمومی و شورای امنیت بعنوان دو رکن اصلی سازمان در مسائل صلح و امنیت بین المللی خواستار بررسی شیوه ها و روش های موجود برای اجرای تعهدات بین المللی از سوی رژیم اسرائیل می شود . و همچنین از این دو نهاد بین المللی درخواست می کند تا با بررسی شیوه های مرسوم بین المللی برای توقف و تخریب دیوار حائل اقدامات مؤثر و مفیدی به عمل آورند .

□ پی نوشت ها :

۱- درخواست این نظر مشورتی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل است که در ۸ دسامبر ۲۰۰۴ توسط دبیرکل سازمان ملل (کوفی عنان) به دیوان بین المللی تقدیم می شود .

۲- ماده ۱۵۴ : « این قرارداد در روابط بین دول وابسته به قرارداد لاهه راجع به قوانین و رسوم جنگ زمینی خواه قرارداد مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ یا قرارداد مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ در صورتی که دول مزبور در این قرارداد شرکت کنند مکمل بخش های ۲ و ۳ آیین نامه پیوست قرارداد های مزبور خواهد بود . »

۳- ماده ۲ : « علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود این قرارداد در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلان شده باشد یا هرگونه نزاع مسلحانه بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز کند اجرا خواهد شد ولو آنکه یکی از دول مزبور وضع جنگی را تصدیق نکند . »

این قرارداد درباره هرگونه موارد اشغال تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمی متعاهد نیز معتبر است ولو آنکه اشغال مزبور با هیچگونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد »

۴- دولت اردن در ۲۹ مه ۱۹۵۱ م بدون هیچ حق شرطی این کنوانسیون را پذیرفته است .

۵- « دولت اشغال کننده نمی تواند به نقل مکان یا انتقال قسمتی از نفوس کشوری خود به اراضی که اشغال کرده است مبادرت نماید . »

□ منابع

- ۱- قرارداد های چهارگانه ژنو ، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران ، جمعیت هلال احمر ، چاپ اول ، تابستان ۱۳۸۱
- ۲- خلاصه نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری ، دکتر مرادی ، دانشگاه شهرکرد ، تابستان ۱۳۸۳

